

مقالات



آیا قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه باعث بهبود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شوند؟ بخش آخر

ماری هال وارد - دریمیر
(Mary Hallward-Driemeier)

است. نتایج این تحقیق زمانی اهمیت پیدا می‌کند که می‌بینیم اولاً تعداد این قراردادها رو به افزایش است، ثانیاً تعداد شکایت‌های قانونی نشان می‌دهند حقوقی که به سرمایه‌گذار خارجی اعطا می‌شود، نه تنها از حقوق سرمایه‌گذاران داخلی بیشتر است بلکه امکان اجرای اصلاحات را توسط سیاستگذاران بسیار محدود کرده و دامنه تعهدات آنها را زیاد می‌کند. رسمی کردن روابط، حمایت در برابر مشکلات بی‌ثباتی و توجه سیاستگذاران به شرایط ذکر شده در قراردادها عوامل بسیار مهمی در تنظیم قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه به شمار می‌آیند.



قراردادها فقط مکمل حقوق مالکیت داخلی و نظام قانونی کشورها بوده‌اند و نقش جایگزینی آنها را ندارند. ایجاد حقوق مالکیت جدید و جایگزین شدن قانونی بهتر، تنها انگیزه کشورهای در حال پیشرفت برای امضای قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه

چکیده

با توجه به اینکه قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه ابزار مهمی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی محسوب و به‌شمار می‌آید و تعداد این قراردادها در کشورهای در حال پیشرفت رو به افزایش است، هدف این مقاله ارزیابی کلی و تجربی قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه (BIT) و نقش آنها در افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای طرف قرارداد است. تا سال ۲۰۰۰، نیمی از سرمایه‌گذاری مستقیم کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در کشورهای در حال پیشرفت از طریق قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه صورت می‌گرفت. چنین رقمی فقط نشانگر افزایش تعداد کشورهایی است که با یکدیگر طرف قرارداد شده‌اند ولی نشانه توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای میزبان نیست. نتایج بررسی این قراردادها همچنین نشان می‌دهد که این

نتایج:
در ستون ۱ نتایج مربوط به میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کلیه معاهده‌های سرمایه‌گذاری دو جانبه مشخص شده است. ستون ۲ رگرسیون را با قراردادن

صفر در جاهای خالی تکرار کرده است. اضافه کردن این صفرها اگرچه باعث بزرگ شدن نمونه اطلاعات تحقیق شده است و گرچه میزان اهمیت نتایج را افزایش داده است، ولی تاثیر اندکی بر روی نتایج کیفی تحقیق داشته است.

هر چه کشور میزان سرمایه‌گذار بزرگتری باشد، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم بیشتر می‌شود. این جریان در کشورهای ثروتمندی که میزان سرمایه‌گذاری بوده‌اند نیز بیشتر بوده است. بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهد. باز بودن فضای تجاری کشور میزبان نیز می‌تواند باعث سواستفاده کشور سرمایه‌گذار و عدم پرداخت تعرفه‌ها شود. نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای کوچک بیشتر است و این بدان معناست که جریان‌های بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی به کشورهای بزرگ‌تر سرازیر می‌شوند. قرارداد نفتا جریان سرمایه خارجی را به مکزیکی منتقل کرد و این امر یکی از معدود مدارکی است که نشان می‌دهد یک قرارداد سرمایه‌گذاری می‌تواند سرمایه‌گذاری را افزایش دهد اما از آنجایی که این قرارداد با بزرگترین بازار جهان منعقد شده است، نمی‌توان تشخیص داد که کدام تاثیر بیشتری داشته‌اند.

ضریب قرارداد BIT منفی است و تاثیر چشمگیری را نشان نمی‌دهد. وقتی تاثیر BIT را در طول سال‌های قبل و بعد از تایید قرارداد بررسی می‌کنیم (ستون ۳) مشخص می‌شود که تاثیر مثبت اندکی در ۵ سال قبل و ۵ سال بعد از قرارداد مشاهده می‌شود. فقط در ۵ سال بعد از تایید قرارداد یک روند مثبت (و بسیار ضعیف) مشاهده شده است.

تاثیر قراردادهای قبلی BIT کشور میزبان در قبول قراردادهای جدید نیز در ستون ۴ و ۵ بررسی شده است. برای دستیابی به این نتیجه، تعداد قراردادهای BIT که کشور میزبان با سایر کشورها داشته است مورد بررسی قرار گرفت و

مشخص شد که این تعداد ارتباط مثبتی دارد با افزایش احتمال قبول یک قرارداد BIT ولی بر مقدار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که از کشور سرمایه‌گذار دریافت می‌شود، تاثیری ندارد. این امر نشان می‌دهد که ممکن است تاثیر مثبت جریان‌های سرمایه‌گذاری باعث ایجاد انگیزه برای تایید یک قرارداد BIT باشد.

رگرسیون مشابهی برای ارزیابی نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی کشور (FDI/GDP) میزبان به عمل آمد. این محاسبه نتایج متفاوتی را نشان داد. در حالی که کشورهای

**مواردی که در سال‌های اخیر
پس از تایید قراردادهای
سرمایه‌گذاری، باعث
برانگیختن اختلاف‌های
بین‌المللی شده‌اند، نگرانی‌هایی
را در خصوص هزینه‌هایی
که دولت میزبان باید متحمل
شود، ایجاد کرده‌اند.**

بزرگ‌تر سرمایه‌گذاری خارجی بیشتری را دریافت می‌کنند، نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی در کشورهای کوچک بیشتر است. در این محاسبه بزرگی کشور سرمایه‌گذار بی‌تاثیر و بزرگی کشور میزبان با تاثیر منفی مشاهده شد. همچنین مشخص شد که کشورهای ثروتمند سرمایه خارجی بیشتر را جذب می‌کنند. همچنین تغییر محسوسی در ارزش منفی سرمایه‌گذاری خارجی نسبت به تولید ناخالص داخلی (FDI/GDP) قبل از امضای قرارداد BIT مشاهده نمی‌شود.

آخرین رگرسیون سهم سرمایه خارجی را که یک کشور میزبان از کل سرمایه‌گذاری

خارجی یک کشور سرمایه‌گذار دریافت می‌کند، بررسی می‌کند. کشورهای بزرگی که نقش میزبان را دارند، سهم بیشتری از سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای سرمایه‌گذار دریافت نمی‌کنند در حالی که کشورهای توسعه یافته از چنین سهمی برخوردارند. در این جا تاثیر مثبت یک قرارداد BIT بر سرمایه‌گذاری خارجی تایید می‌شود (ستون ۲): اگرچه این نتیجه از بررسی سرمایه‌گذاری خارجی ۵ سال بعد از انعقاد قرارداد به دست آمده است.

این نتایج نشان می‌دهند که BIT ها نمی‌توانند باعث جذب سرمایه‌گذاری خارجی شوند. این امر می‌تواند به دلیل مبهم بودن این قراردادها در زمینه تغییراتی باشد که در روابط بین طرفین آن ایجاد می‌شود. این تغییرات می‌تواند شامل کاهش موانع تجاری، افزایش دانش تجاری در کشور میزبان، جذب مشتریان در خارج کشور و غیره باشد. این تغییرات باعث افزایش احتمال سرمایه‌گذاری در خارج از کشور می‌شود و اگر قرارداد BIT یکی از این عوامل را پوشش دهد، باید انتظار داشت که سرمایه‌گذاری تا حدی افزایش یابد. یکی از تغییراتی که می‌تواند در جهت دیگر مثبت واقع شود، تایید معاهده‌های مالیاتی است. بلونیزن Blonigen و دیویس (۲۰۰۲) Davis به این نتیجه رسیدند که امضای یک معاهده مالیاتی باعث کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود و اگر این معاهده همزمان با یک قرارداد BIT اجرا شود، قدرت قرارداد BIT تضعیف می‌گردد. این نتایج از بررسی جریان‌های سرمایه‌گذاری میان کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به دست آمده و مشخص نیست که آیا نتایج مشابهی از بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی میان کشورهای عضو این سازمان و کشورهای در حال پیشرفت نیز به دست می‌آید یا خیر؟

آیا کیفیت قوانین یک کشور می‌تواند تاثیر مثبتی بر نقش BIT در افزایش سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد یا خیر؟

یک احتمال این است که این قراردادها در کشورهای که نظام قانونی ضعیفی دارند، بهتر عمل می‌کند زیرا جانشین قوانینی می‌شوند که از حقوق مالکیت حمایت می‌کنند. از طرف دیگر، برای موفقیت یک قرارداد BIT ظرفیت قوانین کشورها باید به حد مشخصی رسیده باشد. نتایج نشان می‌دهند که میان کیفیت قوانین یک کشور و امضای یک قرارداد یا رابطه‌ای وجود نداشته یا این رابطه مثبت بوده است. ۳ نتایج به دست آمده از KKZ بررسی نقش قوانین بر میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سهم آن در تولید ناخالص داخلی، و سهم کشور سرمایه‌گذار در سرمایه‌گذاری خارجی کشور میزبان را نشان می‌دهد. نتایج بیانگر آن است که قوانین بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بر سهم کشور سرمایه‌گذار در مجموع سرمایه‌گذاری خارجی کشور میزبان تاثیری ندارند. اگرچه قوانین می‌توانند نقش مهمی در سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از تولید ناخالص داخلی داشته باشند. برای اینکه این تاثیر دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد، از سایر مقیاس‌های KKZ استفاده شد. نتایج مربوط به بررسی فساد کشورها و همچنین بررسی تاثیر دولت نیز نشان می‌دهند که یک قرارداد BIT بیشتر مکمل قوانین داخلی کشورها است نه جایگزین آن. علاوه بر آن، برای اینکه رابطه بین قراردادهای BIT و سیستم قانونی کشوری بتواند پیامدهای منفی BIT را جبران کند، قوانین کشورها باید از کیفیت بالایی برخوردار باشند. در جای دیگر، رگرسون با استفاده از مقیاس‌های ICRG مربوط به قوانین و فساد تکرار شده است. در این مقیاس‌ها تاثیر زمان نیز بر کیفیت قوانین مورد بررسی قرار گرفته است که وقتی در کنار متغیرهای مربوط به تغییرات کشور قرار می‌گیرند، می‌توان تاثیر این تغییرات را در طول زمان بر روی قوانین کشور بررسی کرد. با مقیاس‌های ICRG رابطه بین قرارداد BIT و قوانین کشور، مثبت و مهم ارزیابی شده است. بنابراین،

نتایج نشان می‌دهند که BIT در شرایطی که قوانین کشورها از کیفیت بالایی برخوردارند و جایی که نظام قانونی قدرت تازه‌ای گرفته باشد، موثرتر واقع می‌شود. این امر باعث می‌شود که کشورهای کمتر پیشرفته که امیدوارند با امضای قراردادهای BIT بتوانند از تدوین و تقویت حقوق مالکیت خود سرباز زنند، در دیدگاه‌های خود تجدیدنظر کنند. به عبارت دیگر، اگر

هر چه کشور میزبان سرمایه‌گذار بزرگتری باشد، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم بیشتر می‌شود. این جریان در کشورهای ثروتمندی که میزبان سرمایه‌گذاری بوده‌اند نیز بیشتر بوده است.

کشورهای میزبان علاقمندند سرمایه خارجی بیشتری جذب کنند، BIT نمی‌تواند ضرورت اصلاح قوانین داخلی را از بین ببرد یا جایگزین این قوانین شود.

جمع‌بندی

مواردی که در سال‌های اخیر پس از تایید قراردادهای سرمایه‌گذاری، باعث برانگیختن اختلاف‌های بین‌المللی شده‌اند، نگرانی‌هایی را در خصوص هزینه‌هایی که دولت میزبان باید متحمل شود، ایجاد کرده‌اند. این هزینه‌ها هم شامل امتیازهایی می‌شوند که دولت میزبان باید به سرمایه‌گذار اعطا کند و هم شامل کاهش ترفندهای سیاست‌گذاران داخلی می‌شود که به دلیل احتمال تاثیر منفی سیاست‌های جدید بر سرمایه‌گذاران، محدودیت‌هایی را برای آنها به وجود می‌آورد. منتقدان باور دارند که این موارد

می‌تواند باعث تشویق شرکت‌های خارجی شود تا از مفاد قراردادهای به عنوان ابزاری برای تجارتی پرسود و حفاظت در برابر خطرهایی که قبلاً هیچگاه در برابر آنها محافظت نمی‌شدند، استفاده کنند. با در نظر گرفتن این که نگرانی‌ها درخصوص هزینه‌های احتمالی و غیرقابل پیش‌بینی BIT رو به افزایش است، بررسی این مساله که آیا این قراردادهای می‌توانند به مزیای مورد انتظار خود برسند، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. برای این کار سیاست‌گذاران باید مزیای این قراردادها را با هزینه‌هایی که ایجاد می‌کنند، مقایسه کنند. اگر منافع و نکات مثبت این قراردادها کم باشد، احتمال امضای یک قرارداد به خصوص قراردادهایی که مفاد آن به سود سرمایه‌گذاران باشد، بسیار کم می‌شود. این بدان معنا نیست که معاهده‌هایی که در آنها سرمایه‌گذاران در مقابل مشکلات بی‌ثباتی حمایت می‌شوند، فاقد ارزش است بلکه این گونه قراردادهای و حقوقی که به سرمایه‌گذاران اعطا می‌شود، باید با دقت مورد بررسی قرار گیرند.

بررسی جریان‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به کشورهای در حال پیشرفت نشان می‌دهد که قراردادهای BIT نتوانسته‌اند سرمایه‌گذاری را ارتقا دهند. کشورهایی که از نظام قانونی ضعیفی، به خصوص در زمینه حمایت از حقوق مالکیت، برخوردارند، نتوانسته‌اند از مزیای این معاهده‌ها سودی ببرند. در واقع در این کشورها BIT نتوانسته است جایگزین اصلاحات داخلی شود. در عوض کشورهایی که در حال اصلاح قوانین خود بوده‌اند یا از نظام قانونی داخلی قوی برخوردارند، منافع بیشتری از این قراردادهای عایدشان می‌شود. این حقیقت که BIT به جای جایگزین، مکمل قوانین داخلی است، نشان می‌دهد که کشورهایی بیشتری سود را از این قراردادهای می‌برند که با توجه به کیفیت بالای حقوق مالکیت‌شان، کمترین نیاز را به این قراردادهای

دارند.

احتمال آن می‌رود که در چند سال آینده نتایج متفاوتی آشکار شود. افشاگری‌هایی که در خصوص چگونگی حمایت از سرمایه‌گذاران در فصل ۱۱ قرارداد نفتا به عمل آمده، موجب شده است که سرمایه‌گذاران اطلاعات بیشتری در این زمینه کسب کنند و پافشاری بیشتری برای درج این مفاد در قراردادهای سرمایه‌گذاری داشته باشند. از طرف دیگر، سیاستگذاران به مفاد مربوط به پرداخت غرامت و مصادره توجه بیشتری دارند و سعی می‌کنند که توازن بیشتری بین هزینه‌ها و منافع یک قرارداد BIT ایجاد کنند.

پیوست

آخرین پرونده‌های مربوط به پرداخت خسارت پس از مصادره و پرداختها

بسیاری از پرونده‌های اخیر که علنی شدند، ریشه در فصل ۱۱ قرارداد نفتا دارند. قرارداد نفتا یک قرارداد دوجانبه نیست ولی مفاد آن مانند مفاد بسیاری از قراردادهای BIT است. مثال‌های زیر تعهداتی را نشان می‌دهند که بر کشورهای میزبان اعمال می‌شوند. در حالی که در سال‌های قبل کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مواردی از این قبیل شکایت‌ها را از کشورهای در حال پیشرفت مطرح می‌کردند، در سال‌های اخیر برخی شرکت‌های کوچک نیز از کشورهای ثروتمند عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی شکایت کرده‌اند. نتایج این پرونده‌ها نشان می‌دهند که چرا کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از عقد قراردادهایی که چنین حقوقی را به شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در داخل کشورشان اعطا می‌کنند، خودداری کرده‌اند، ولی برای اخذ همین حقوق برای شرکت‌های خودشان در کشورهای دیگر تلاش فراوان می‌کنند. باید خاطر نشان سازیم که همه این پرونده‌ها به نتیجه نرسیده‌اند و آینده برخی از پرونده‌ها هنوز مشخص نیست. از این رو کشورهای میزبان

باید در ماهیت مفاد قراردادهای و تأثیری که این مفاد بر انتخاب سیاست‌هایشان می‌گذارد، دقت بیشتری داشته باشند.

کانادا به دنبال ایجاد نگرانی‌هایی درخصوص خطراتی که یک ماده افزودنی به بنزین (MMT) برای سلامتی دارد، تصمیم به منع استفاده از این ماده گرفت (اضافه کردن این ماده قبلاً نیز در آمریکا ممنوع شده بود). شرکت Ethyl تنها شرکت تأمین کننده MMT در کانادا، اولین پرونده شکایت مربوط به فصل ۱۱ قرارداد نفتا را تشکیل داد. بعد از اعمال این ممنوعیت، پارلمان کانادا روند معکوسی را در پیش گرفت، ممنوعیت را ملغی و ۱۳ میلیون دلار برای خسارت‌هایی که در طول ممنوعیت MMT شرکت Ethyl متحمل شده بود، پرداخت کرد.

نتیجه یک پرونده دیگر روند اصلاحات بهداشت و سلامتی را در کانادا با خطر روبرو کرد. کانادا در حال ارایه پیشنهادی برای افزایش تعداد هشدارهای روی پاکت‌های سیگار بود. RJReynolds و سایر شرکت‌های تنباکو، دولت کانادا را تهدید به تشکیل یک پرونده و شکایت از دولت کردند. همین امر باعث شد که اقدامات اصلاحی متوقف شود. از زمان امضای قرارداد نفتا فقط دو قانون جدید محیط زیست در کانادا شکل گرفته است که همه آنها کلاً تحت تأثیر فصل ۱۱ این قرارداد با چالش‌های زیادی روبرو بوده‌اند.

در آمریکا یک پرونده در جریان است که می‌تواند نقش مهمی در آینده اینگونه قراردادهای داشته باشد. این پرونده در مورد یک ماده اضافه کننده دیگر بنزین به نام MTBE است. این ماده که زمانی از آن برای بهبود آلودگی هوا و کمک به سوخت بهتر بنزین استفاده می‌شد، اکنون آلوده کننده منابع آب و سرطان‌زا شناخته شده است. کالیفرنیا در سال ۱۹۹۹ تصمیم گرفت که استفاده از این ماده را در بنزین ممنوع کند. تولیدکننده آن، شرکت متانکس که یک شرکت کانادایی است، درخواست ۹۷۰

میلیون دلار غرامت کرد.

پرونده دیگری که سر و صدای زیادی ایجاد کرد به تازگی به نتیجه رسیده است.

در این پرونده شرکت Loewen Group که یک شرکت کانادایی متخصص در امور خاک سپاری و مراسم تدفین است، توسط شرکت رقیب خود در می‌سی‌سی‌پی به انحصار طلبی و تراست محکوم شده است. شرکت Loewen Group موافقت کرد ۱۵۰ میلیون دلار پرداخت کند. چهار سال بعد، این شرکت دولت آمریکا را محکوم کرد که روند قانونی دادگاه را رعایت نکرده است (بخشی از ادعای آنها براساس دستورالعمل‌هایی است که هیات داوران دادگاه در روند رسیدگی به پرونده دریافت کرده بود و شرکت متهم، این دستورالعمل‌ها را نژاد پرستانه و ضد اتباع خارجی نامیده است). این شرکت در ادعای اخیر خود درخواست ۵۰۰ میلیون دلار خسارت از دولت آمریکا کرد. این پرونده چهار سال پیش شروع شد و اخیراً پس از اینکه یک آمریکایی علاقمند شرکت Loewen Group را خرید، پرونده آن بسته شد.

پرونده دیگری که جنجال زیادی در مطبوعات به راه انداخت، پرونده مربوط به شرکت Metalclad یک شرکت آمریکایی دفع زباله است که قصد داشت شعبه‌ای نیز در مکزیک تاسیس کند. برخلاف تضمین‌هایی که دولت به این شرکت آمریکایی داد، مقامات محلی به دلیل ورود آلودگی به آب و عدم توانایی شرکت در پاکسازی آن و همچنین به دلیل اعتراض گسترده مردم محلی، هیچ ساختمانی را در اختیار شرکت Metalclad قرار ندادند. این شرکت با طرح شکایت ۱۶ میلیون دلار غرامت دریافت کرد. این مبلغ کمتر از مبلغی بود که شرکت درخواست غرامت کرده بود ولی دادگاه تشخیص داد که سود مورد انتظار به اندازه‌ای که شرکت ادعا می‌کند، بالا نبوده است.

